

## معرفی و ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه

(۲)

۳۰. دستنویس کتابخانه ملی پاریس، نشان Pers. 228، ۴۶۰ برگ، با ۱۲ مجلس، خط نستعلیق، بخط درویش محرز علی بن خواجه جمال الدین حسین بن خواجه محرز عطی پلیمانی (?) مرشدی مشهور به شاهنامه خوان، مورخ دوشنبه بیست و دوم رمضان ۸۹۵ هجری قمری (برابر نهم اوت ۱۴۹۰ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد: افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال... این مقدمه، همان مقدمه بایسنقری است و از مقدمه کهن یکی دو سطر بیش ندارد و بقیه آن افسانه محمود و فردوسی و هجوناومه و فهرست مطالب کتاب است. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: کتاب شاهنامه فردوسی. صفحات کتاب در چهارستون و ۲۹ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۸ بیت است. تاریخ ختم شاهنامه در این کتاب سال ۴۰۰ هجری قمری است و پس از آن بیتهایی از هجوناومه آمده است. متن پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

هزاران درود و هزاران ثنا ز ما بر محمد علیه السلام

تمة الكتاب بعون الله تعالى الملك المهيمن الوهاب جله جلاله. تمام شد کتاب شاه نامه بمبارکی و فیروزی و فرخی در تاریخ يوم الاثنين ثاني عشرين رمضان المبارك سنة خمس و تسعين ثمانمائة الهجرية المصطفوية صلى الله على خير خلقه محمد وآله وصحبه اجمعين الطيبين الطاهرين وبممد الله رب العالمين على يد العبد الضعيف النحيف المحتاج الى رحمة الله تعالى وحسن توفيقه درویش محرز علی بن خواجه جمال الدین حسین بن خواجه محرز علی پلیمانی (?) المرشدی مشهور به شاه نامه خوان غفر الله و غفر عنه.

غریق رحمت یزدان کسی باد که کاتب را به الحمدی کند یاد  
 درویش درویش در دو ماه و نیم تمام شد.  
 پس از آن در صفحه دیگر قطعه مشهور عطار را در اسرار نامه در موضوع مانع گشتن  
 آن فقیه از بخاک سپردن فردوسی در گورستان مسلمانان آورده است: شنیدم من که  
 فردوسی طوسی الخ

۳۱- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول Istanbul Universitesi Kütüphanesi، نشان ۱۴۰۷، اندازه ۳۶ x ۲۲ سانتیمتر، ۵۸۴ برگ، با ۴۰ مجلس، خط نستعلیق، بخط حسین ؟، مورخ ۸۹۵ هجری قمری ؟ (برابر ۱۴۹۰ میلادی).  
 این دستنویس با مقدمه منثور آغاز می گردد: بسم الله الرحمن الرحيم. افتتاح سخن  
 آن به که کنند اهل کمال... این مقدمه همان مقدمه بایسنقری است. دو صفحه  
 نخستین متن دارای چهار لوح اند و متن هر صفحه در ۹ سطر نوشته شده است. در  
 لوحه های بالا و پایین صفحات کتیبه ای بخط کوفی دارد: الحمد لله تعالی - الحكم لله  
 تعالی - القوة لله تعالی - القدرة لله تعالی.  
 صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: آغاز کتاب شاه نامه من  
 کلام فردوسی طوسی. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده اند.  
 هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۶ بیت است، ولی در برخی صفحات  
 بیت هایی را هم چلیپا نوشته اند. صفحه نخستین پادشاهی لهراسپ دارای سرلوحه و  
 تصویر بزرگی است و در این صفحه فقط شش بیت از داستان آمده است و در کتیبه  
 آن نوشته است: پادشاهی لهراسپ صدویست سال بود. تاریخ ختم شاهنامه در این  
 دستنویس سال ۴۰۰ هجری قمری است. متأسفانه بخاطر نقص فنی میکروفیلم پایان  
 کتاب ناخواناست و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ولی در فهرست احمد  
 آتش بخط حسین و مورخ ۸۹۵ هجری قمری معرفی شده است. این دستنویس روایت  
 کشتن رستم پیل سپید و گرفتن دژ سپند را ندارد.

۳۲- دستنویس کتابخانه بادلیان در اکسفورد، نشان ۳۲۵، Ms. Elliot، ۶۲۷ برگ، با  
 ۶۲ مجلس، خط نستعلیق، بخط سلطان حسین بن سلطان علی بن اصلانشاه کاتب،  
 مورخ چهارشنبه چهاردهم رمضان ۸۹۹ هجری قمری (برابر هجدهم ژوئن ۱۴۹۴ میلادی).

دو صفحه نخستین کتاب دارای دو ترنج در میانه صفحه است و پس از آن دو تصویر تمام صفحه ای دارد و از صفحه بعد با مقدمه منثور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدایرا جلّ جلاله که این جهان و آن جهان آفرید و ما بندگان را اندر جهان پدید کرد... این مقدمه، همان مقدمه کهن است، ولی فقط بخشی از آن را دارد و پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجونا مه می انجامد. دو صفحه نخستین متن دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن هر صفحه در هفت سطر نوشته شده است. در کتیبه لوحه های بالا و پایین صفحات نوشته است: من کلام افضل الحکما - وافصح الشعرا و المتکلمین - حکیم فردوسی طوسی - علیه الرحمة والغفران. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عنوان: کتاب شاهنامه. این صفحه در چهار ستون و ۱۶ سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۶ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را نیز چلیپا نوشته است. پادشاهی لهراسپ با سرلوحه آغاز می گردد با عنوان: پادشاهی لهراسپ صد و بیست سال بود. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است و پایان صفحه آخر آن چنین است:

سر آمد کنون قصه یزدگرد      به ماه سفندارمرد روز ارد  
گذشته از آنسال سیصد شمار      برو بر فزون بود هشتاد و چار  
همی تا بود روز و شب تار و پود      ز ما بر روان محمد درود

ثم الكتاب بعون الملك الوهاب الموسوم بكتاب شاهنامه من كلام افصح الشعراء و المتكلمين و المحققين و المتقدمين حكيم ابوالقاسم فردوسی الطوسی علیه الرحمة والغفران في تاريخ يوم الاربعاء رابع عشر شهر رمضان المبارك سنة تسع و تسعين و ثمانمائة الهجرية النبوية صلى الله على خير خلقه و مظهر لطفه محمد وآله و صحبه و عزته اجمعين الطيبين الطاهرين و الحمد لله رب العالمين و سلم تسليماً ابداً قسيماً دائماً احداً كثيراً كتبه العبد الفقير الحقير اقل العباد سلطان حسين بن سلطان علي بن اصلان شاه الكاتب غلام شاه غفر الله له.

غریق رحمت ایزد کسی باد      که کاتب را بالحمدی کند یاد  
آمین و اباکم اجمعین.

در این دستنویس در پایان افسانه موزه فروش در پادشاهی انوشروان سه بیت الحاقی به داستان افزوده و برای نظم آن تاریخ سوم محرم ۳۹۴ تراشیده است:

سراسر سخن گفتن موزه دوز      ز ماه محرم گذشته سه روز  
همی گفته ام داستان را تمام      ز گناه پیمبر علیه السلام

زهجرت شده سال سیصد شمار بدو بر فزون کن سه سی و چهار

۳۳- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، بنشان Fy. 1406، اندازه  $24/5 \times 34/5$  سانتیمتر، ۳۰۴ برگ، با ۱۰۸ مجلس، خط نستعلیق، بخط سالک بن سعید، مورخ ۸۹۹ هجری قمری (برابر ۱۴۹۴ میلادی).

این دستنویس تنها نیمه دوم شاهنامه را دربر دارد و چند برگ از آغاز و جاهای دیگر آن افتاده است و برخی از صفحات پایان کتاب به آغاز کتاب رفته است. صفحات در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۶ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس معلوم نیست چون صفحه آن افتاده است، ولی صفحه پس از آن که صفحه آخر کتاب باشد بیتهایی از هجونا مه دارد و متن اصلی با این بیت پایان می رسد:

هر آنکس که دارد هشت و رای و دین  
پس از آن بیتهایی از کاتب آمده است که در آن نام مالک و کاتب و تاریخ کتابت یاد گردیده است:

|                            |                            |
|----------------------------|----------------------------|
| بمعون و بتوفیق پروردگار    | بامر شهنشاه عالی تبار      |
| خداوند جم قدر میرزا علی    | خلف از نژاد نبی و ولی      |
| که بر درگهش آسمان بنده باد | ستاینده خورشید تابنده باد  |
| بدست رهی سالک بن سعید      | ز سر شاه نامه بپایان رسید  |
| ز عهد محمد علیه السلام     | نود رفته و هشتصد و نه تمام |
| اگر در خطش ای خداوندگار    | خطایی بود چین به ابرو میار |
| باصلاح کوش و بپوش آن خطا   | ایا بر سر سروران پادشا     |
| خداوند این باد از تخت شاد  | خدا بر نویسنده رحمة کناد   |

بحق احمد مختار و اولاد. این شاه سید که این دستنویس برای او نوشته شده است گویا همان کارکیا میرزا علی از سلسله بنی کیا یا حسینیان در گیلان است که از ۸۸۳ تا ۹۱۰ فرمانروایی داشته است و ظهیرالدین مرعشی مولف تاریخ طبرستان و رویان و مازندران در دستگاه او بود و کتاب خود را در زمان او به نام او تألیف کرده است.

۳۴- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج Fritzwilliam Museum، بنشان

Ms. 22-1948، ناقص، با ۲۵ مجلس، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، بی تاریخ از اواخر نیمه نخستین سده نهم هجری قمری (برابر نیمه نخستین سده پانزدهم میلادی). این دستنویس تنها پیرامون ۳۰ برگ از شاهنامه را دربر دارد و بیشتر صفحات آن مقصور یا تزیین شده اند و گویا ابلهی سودجو تصاویر و صفحات تزیین شده کتاب را درآورده و بقیه را دور ریخته است و به سخن دیگر این دستنویس نیز دچار سرنوشت دستنویس معروف دموت شده است. از صفحات مانده چند صفحه مربوط به مقدمه منشورست که با افسانه محمود و فردوسی آغاز می گردد، ولی دو صفحه از مقدمه کهن را نیز دارد. صفحه نخستین کتاب دارای سرلوحه است با کتیبه ای بخط کوفی: بسم الله... (؟) دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در کتیبه لوحه های بالا و پایین صفحات بخط کوفی آمده است:

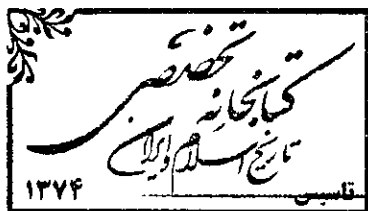
[آفرین بر روان] فردوسی      آن سخن آفرین فرخنده

[او نه استاد بود و ما شاگرد]      او خداوند بود و ما بنده

بخشی که میان چنگک گذاشته شده است در اصل پاک شده است و یک نفر بتقلید خط کوفی چیزی بجای آن نقاشی کرده است. دو صفحه نخستین متن اصلی در دو ستون و ده سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۶ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته اند. در این دستنویس متن شاهنامه به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو. در صفحه آخر این بخش فقط چهار بیت در میانه صفحه در دو ستون آمده است و بقیه صفحه را تزیین کرده اند. در زیر ابیات آمده است: تمام شد نصف اول از شاهنامه از گفتار فردوسی. صفحه نخستین بخش دوم یعنی آغاز پادشاهی لهراسپ دارای سرلوحه است با عنوان: نصف ثانی من کتاب شاهنامه.

۳۵- دستنویس انستیتی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، بنشان S. 822، ۵۲۵ برگ، با ۷۴ مجلس، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، بی تاریخ از سده نهم هجری قمری (برابر پانزدهم میلادی).

آغاز این دستنویس دارای دو تصویر تمام صفحه ای است و پس از آن مقدمه منشور آغاز می گردد: حمد و سپاس و ستایش الهی را که این جهان را و آن جهان را بقدرت بالغ پدید آورد... این مقدمه همان مقدمه کهن است، ولی به افسانه محمود و فردوسی و



هجونامه می انجامد. صفحه نخستین دارای سرلوحه است بخط کوفی: هو الحمد. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در کتیبه بالا و پایین صفحات بخط کوفی آمده است: بسم الله الرحمن الرحيم - کتاب شاه نامه - من کلام افخر الشعراء - فردوسی طوسی. این دو صفحه در دو ستون و یازده سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است و کتاب با این بیت پایان می رسد:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین  
این دستنویس روایت کشتن رستم پیل سید و گرفتن دژ سپند را ندارد و اینجا و آنجا در بیتهایی که در دستنویسهای دیگر کمتر آمده اند با ترجمه بنداری می خواند.

۳۶. دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، بنشان Fy. 1405، اندازه ۳۱/۵ × ۴۷/۵ سانتیمتر، مصور، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، بدون تاریخ از سده نهم هجری قمری (برابر پانزدهم میلادی).

این دستنویس با مقدمه بایسنقری آغاز می گردد: افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال... دو صفحه نخستین آن دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن در دو ترنج در هفت سطر نوشته شده است. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه بزرگی است که در میانه آن در یک ترنج دوازده بیت آغاز دیباچه را نوشته اند و بقیه صفحه در چهار ستون و ۱۸ سطر جدول بندی شده است. صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. در این دستنویس متن به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو و آن با این بیت پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام  
بخش دوم با پادشاهی لهراسپ آغاز می گردد و دو صفحه نخستین آن دارای سرلوحه است و در میان هر صفحه یک تصویر بزرگ دارد و در بالا و پایین هر تصویر چهار بیت در چهار ستون نوشته اند. تاریخ ختم شاهنامه در این کتاب سال چهارصد هجری قمری است و پس از آن بیتهایی از هجونامه آمده است و کتاب چنین پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام  
تمت الكتاب بعون الله الملك وهاب.

در این دستنویس در پایان شاهنامه پس از آن که بیژن ماهوی سوری را به دست ابرسام اسیر می کند و به کین خواهی یزدگرد نخست دستها و سپس پاها و بعد گوش و بینی او را می برد و او را روی ریگ داغ بیابان می اندازد، آنگاه بیهایی افزوده است درباره فتح ایران به دست سعد و آوردن اسیران بنزد او. در میان این اسیران یکی هم دختر یزدگرد سوم است:

|                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| از آن انجمن بود روشن روان     | یکی دختر یزدگرد جوان        |
| دل بس کسان بود در دام او      | کجا شهره بانو بُدی نام او   |
| حسین علی کرد او خواستار       | چو دین محمد بکرد اختیار     |
| که پور علی سید نامور          | چو گفتند با دختر تاجور      |
| چنین داد پاسخ همی آشکار       | ترا خواهد ای بانوی نامدار   |
| که با آل حیدر شوم پاک جفت     | که به زین ندانم همی در نهفت |
| کجا بر سرم شاه تازی بود       | مرا خود ازین سرفرازی بود    |
| در آن انجمن مجلس نامور        | پسندید از او میر عادل عمر   |
| سپردش بدان پور حیدر سواز      | بدین به ورا پروردگار(؟)     |
| درفش کیانی ابا خواسته         | از آن پس مران گنج آراسته    |
| که من دین احمد نخواهم نهفت    | سراسر به درویش بخشید و گفت  |
| چو دین آورد تخت و منبر بود... | منو زین سپس دور عمر بود     |

۳۷. دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای، نشان ۱۵۴۹ R، اندازه ۲۲/۵ × ۳۲ سانتیمتر، ۵۱۲ برگ، با ۴۳ مجلس، خط نستعلیق، کاتب ناشناس، بدون تاریخ از سده نهم هجری قمری (برابر پانزدهم میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد: سپاس و آفرین خدای را که این جهان و آن جهان و ما بنندگان را اندر جهان پدید آورد... این همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه می انجامد. صفحه نخستین آن دارای سرلوحه است با عبارت: بسم الله الرحمن الرحيم. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در کتیبه های بالا و پایین نوشته است: کتاب شاهنامه من کلام - افصح المتکلمین حکیم - فردوسی طوسی علیه - الرحمة والمغفرة. این

دو صفحه در دو ستون و ۹ سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده‌اند. هر صفحه بدون تصویر و سر نویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت‌هایی را نیز چلیپا نوشته است. در این دستنویس متن کتاب به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو و آن با این عبارت پایان می‌رسد: والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله و اجمعین. صفحه نخستین بخش دوم، یعنی آغاز پادشاهی لهراسپ دارای سرلوحه است با عنوان: مجلد ثانی از کتاب شاه نامه. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهارصد هجری قمری است و کتاب چنین پایان می‌رسد:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین  
تمت الکتاب بعون الملک الوهاب واللّه اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب.

۳۸. دستنویس کتابخانه طوقاپوسرای در استانبول، بنشان H-1507، اندازه ۲۰×۳۴ سانتیمتر، ۵۸۵ برگ، با ۶۵ مجلس، خط نستعلیق، بخط علاءالدین بن سیدی فتح الله مرشدی، موزع ربیع الثانی ۹۰۰ هجری قمری (برابر ژانویه ۱۴۹۵ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منثور بایسنقری آغاز می‌گردد: افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال... صفحه نخستین متن دارای سر لوحه است با کتیبه ای بخط کوفی با عبارت: بسم الله الرحمن الرحیم. پس از مقدمه منثور دو تصویر تمام صفحه ای دارد و پس از آن متن اصلی آغاز می‌گردد. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است، ولی کتیبه ای ندارد. این دو صفحه در دو ستون و ۹ سطر و صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۵ سطر جدول بندی شده‌اند. هر صفحه بدون تصویر و سر نویس دارای ۵۰ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت‌هایی را هم چلیپا نوشته است. متن کتاب در این دستنویس به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو و آن با این عبارت پایان می‌رسد: تمت المجلد الاولی من کتاب شاه نامه والحمد لله اولاً و آخراً. صفحه نخستین بخش دوم، یعنی آغاز پادشاهی لهراسپ دارای سرلوحه است با عنوان: کتاب لهراسپ نامه. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است و پایان صفحه آخر کتاب چنین است:

زهجرت سه صد سال وهشتاد و چار بنام جهان داور کردگار  
بیمن الطاف الهی وحسن اعطاف پادشاهی تنمیق این نامه شاهی که بشاهنامه



فردوسی طوسی خضه الله بالفیض القلوسی موسومست سمت اتمام یافت و این جواهر نامدار و در آبدار در سلک انتظام التیام پذیرفت و الحمد لله علی الاتمام و صلی الله علی محمد سید الانام علی يد العبد الضعیف النحیف المحتاج الی رحمة الله الملك الغنی علاء الدین بن سیدی فتح الله المرشدی عفی الله عن سیّاتهما فی ربیع الثانی سنه تسعمایه الهجره النبویه.

۳۹- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، نشان R. 1542، اندازه ۳۳/۵×۲۰/۸ سانتیمتر، ۶۴۹ برگ، با ۴۴ مجلس، خط نستعلیق، بخط محمد بن امیر حاج حسینی اصفهانی، مورخ دهم رجب ۹۰۰ هجری قمری (برابر ششم آوریل ۱۴۹۵ میلادی).

این دستنویس با دو تصویر تمام صفحه ای آغاز می گردد و پس از آن مقدمه منشور بایسنقری می آید: بسم الله الرحمن الرحیم. افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال... دو صفحه نخستین مقدمه منشور دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن هر صفحه در ۹ سطر نوشته شده است. لوحه های بالا و پایین صفحات دارای کتیبه هایی است با عبارت: کتاب شاه نامه من کلام - افضل الشعراء والمتکلمین - حکیم فردوسی طوسی - علیه الرحمة والغفران. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است با عبارت: در توحید باری تعالی عزّ شانه. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۶ بیت است، ولی در برخی صفحات بیت هایی را هم چلیپا نوشته است. تاریخ ختم شاهنامه در این کتاب سال ۴۰۰ هجری قمری است و پس از آن بیت هایی در ستایش و نکوهش محمود آمده است. صفحه آخر کتاب چنین پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام  
تمام شد کتاب شاه نامه بفرخی و فیروزی بعون الله و حسن توفیقه والصلوة والسلام علی  
خیر خلقه محمد و اله اجمعین در تاریخ عشر شهر رجب المرجب سنه تسعمایه کتبه اصغر  
عباد الله و احقر خلق الله محمد بن امیر حاج الحسینی اصفهانی عفا الله عنه. تم

۴۰- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، نشان H. 1491، اندازه ۳۴/۵×۲۲ سانتیمتر، ۶۵۵ برگ، با ۴۵ مجلس، خط نستعلیق، بخط حاجی علی کاتب، مورخ بیستم جمادی الاول ۹۰۱ هجری قمری (برابر پنجم فوریه ۱۴۹۶)

میلادی).

در صفحه نخستین بالای صفحه نوشته است: شهنامه منظوم فارسی عن متروکات مرحوم بکلمربکی. دو صفحه بعدی دارای دو ترنج در میانه صفحه است و در کتیبه آن نوشته است: لصاحبه السعادة والسلامة وطول العمر ماناحت حمامة(?) و عز الابدانیه هوان و اقبال الی یوم القیامة و: برسم خزانه الملك الاعظم الاعدل الاکرم... الملوک والولاه فی العالم... الشاهد نظام السعادة والاقبال... سلطان احمد خلد الله سلطانه علی... دو صفحه بعدی دو تصویر تمام صفحه ای است و پس از آن مقدمه منثور آغاز می گردد: بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و علیه التکلان. افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال... و این همان مقدمه بایسنقری است که تنها افسانه محمود و فردوسی و هجوتامه را در بردارد و از مقدمه کهن چیزی ندارد. دو صفحه نخستین مقدمه منثور دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و در کتیبه های بالا و پایین صفحات نوشته است: من کلام افصح الشعرا - و املاح المتکلمین - حکیم فردوسی الطوسی - علیه الرحمة والغفران. متن هریک از این دو صفحه در شش سطر نوشته شده است. صفحه نخستین متن اصلی دارای سرلوحه است و در کتیبه آن نوشته است: کتاب شاهنامه حکیم فردوسی. صفحات در چهار ستون و ۲۳ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سر نویس دارای ۴۶ بیت است ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته و میان آنها گل و بوته انداخته است. متن کتاب در این دستنویس به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو و آن با این عبارت پایان می رسد: تمام شد در خوبترین ساعتی بخرمی و فیروزی نصف شاهنامه فردوسی طوسی والحمد لله رب العالمین در شهر رجب سنه تسعمایه (= رجب ۹۰۰). بخش دوم با پادشاهی لهراسب آغاز می گردد و صفحه نخستین آن دارای سرلوحه است با عنوان: کتاب لهراسب نامه حکیم فردوسی. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۴۰۰ هجری قمری است و پس از آن بیتهایی در ستایش محمود آمده است. عبارت ختم کتاب چنین است:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین

تمام شد کتاب میمون الفال عذیم المثال شاهنامه از مقولات استاد الکلام و اسناد الشعراء بین الانام واقف مقامات قدوسی فردوسی طوسی روح الله تعالی روحه در تاریخ عشرین شهر جمادی الاول سنه احدی و تسعمایه علی يد العبد الضعیف المحتاج المذنب حاجی علی کاتب اصلح الله احواله و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و صحبه اجمعین والحمد لله رب العالمین.

۴۱- دستنویس کتابخانه طوقاپوسرای در استانبول، بنشان A. 3065، اندازه ۳۷×۲۱/۵ سانتیمتر، ۵۷۶ برگ، با ۵۷ مجلس، نستعلیق، کاتب ناشناس، مورخ ۹۰۱ هجری قمری (برابر ۱۴۹۵-۱۴۹۶ میلادی)؟

این دستنویس مقدمه منشور را ندارد. صفحه نخستین متن دارای سرلوحه است به بزرگی دو سوم صفحه و در کتیبه آن نوشته است: آغاز داستان - بسم الله الرحمن الرحيم - دفتر اول. صفحات در چهار ستون و ۲۷ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۵۴ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. متن کتاب در این دستنویس به چهار دفتر تقسیم شده است. دفتر یکم از آغاز تا پایان داستان فرود و آن با این عبارت پایان می رسد: تم تمام شد، کار من نظام شد. دفتر دوم از آغاز داستان کاموس کشانی تا پایان پادشاهی کیخسرو. صفحه نخستین دفتر دوم دارای سرلوحه ای است به همان اندازه سرلوحه آغاز کتاب با عنوان: آغاز داستان - دفتر دوم و این دفتر چنین پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام  
تمت الكتاب بعون ملك الوهاب. دفتر دوم شاهنامه وقت شام روز شنبه ۳ ماه کاتک سنه ۱۹۰۰۱ تحریر یافت. و در دو گوشه صفحه هر گوشه مصرعی نوشته است:  
من نوشتم صرف کردم روزگار من نمانم این بماند یادگار  
دفتر سوم از آغاز پادشاهی لهراسپ تا پایان پادشاهی قباد. صفحه نخستین دفتر سوم دارای سرلوحه ای است به همان اندازه سرلوحه های پیشین، ولی کتیبه آن (اگر نقص فنی میکروفیلم نباشد) خالی مانده است. در پایان دفتر سوم در صفحه ای مجزا نوشته است:

الهی هر آنکس که این خط نوشت عفو کن گناهش عطا کن بهشت  
نوشته بماند سیه بر سفید نویسنده را نیست فردا امید  
من نوشتم صرف کردم روزگار من نمانم این بماند پای دار (!)

این کتاب از یک دفتر شاهنامه بتاریخ ۱۶ ماه ماک یوم دوشنبه ۱۹۰۱ تمام شد دفتر سوم العاقبت بالعافیت. قلمی من تحریر یافت. دفتر چهارم از آغاز پادشاهی انوشروان تا پایان کتاب. صفحه نخستین دفتر چهارم دارای سرلوحه ای است به همان اندازه سرلوحه های پیشین با عنوان: آغاز داستان - دفتر چهارم. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهار صد هجری قمری است: سر آمد کنون قصه یزدگرد... (مانند دستنویس ۶۷۵) و پس از آن همان بیتهایی که کاتب در پایان دفتر دوم و سوم

افزوده در اینجا هم افزوده است و کتاب با این عبارت پایان می رسد: تمت الكتاب بعون ملك الوهاب ۱۶ ماکه سنه ۱۹۰۱ وقت دیگر تحریر یافت.

نام ماههای کاتک و ماک و ماکهه محتمل است که نامهای تقویم هندی است. ماه ماک همان Magha ماه یازدهم تقویم هندی است. در دو نام دیگر گویا فسادی راه یافته است. ماه کاتک محتملاً ماه کارنک Karttika ماه هشتم از تقویم هندی است. و ماه ماکهه نیز می تواند ماه منکهر Mangahro ماه نهم از تقویم هندی باشد، ولی چرا پس از ماه ماک که ماه یازدهم است افتاده است. در حالی که سال در هر سه جا ۱۹۰۱ است که در بار نخستین، یعنی در پایان دفتر دوم یک صفر زیادی دارد. در کاتولگ کتابخانه طوپقاپوسرای این دستنویس را مورخ ۹۰۱ هجری قمری نوشته است، ولی سال ۱۹۰۱ در هیچ یک از تقویمهای هندی با ۹۰۱ هجری قمری مطابقت ندارد و محتملاً نویسنده کاتولگ عدد یک نخستین را ندیده گرفته است.

۴۲. دستنویس کتابخانه قصر سلطنتی مادرید در اسپانیا Patrimonio Nacional Biblioteca de Palacio بنشان II-3.218 ، بدون شماره صفحه، با ۷۳ مجلس، نستعلیق، بخط خانی؟ مورخ ۹۰۱ هجری قمری (برابر ۱۴۹۵ - ۱۴۹۶ میلادی).

در صفحه نخستین در میان صفحه یک ترنج دارد که در کتیبه میان آن نوشته است: کتاب شاه نامه حکیم فردوسی طوسی... (بقیه عبارت پاک شده است). دو صفحه بعد دارای دو تصویر تمام صفحه ای است و پس از آن مقدمه منشور آغاز می گردد: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. سپس آفرین خدای را که این جهان و آن جهان را آفرید و بندگان را اندر جهان پدیدار کرد... این مقدمه همان مقدمه کهن است، ولی پایان آن به افسانه محمود و فردوسی و هجونا مه می انجامد. صفحه نخستین مقدمه منشور دارای سرلوحه است. با عنوان: مقدمه کتاب شاهنامه. دو صفحه نخستین متن اصلی دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن هر صفحه در دو ستون و هفت بیت نوشته شده است. در کتیبه لوحه های بالا و پایین صفحات نوشته است: هذه كتاب شاهنامه - من كلام قدوة الشعرا - حکیم فردوسی طوسی - علیه الرحمة والغفران. و در بالا و پایین متن نوشته است:

هرگز نکند کسی چو تو یاد سخن  
انصاف تویی که داده داد سخن

ای تازه و خرم ز تو بنیاد سخن  
فردوس مقام بادت ای فردوسی

صفحات دیگر در چهار ستون و ۲۱ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۲ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال چهار صد هجری قمری است:

بنام جهان داور کردگار      ز هجرت شده چار صد سال بار  
 بمه سبندار بد (؟) روز ارد      که سر شد همی قصه یزدگرد  
 ز هجرت شده پنج هشتاد سال      که بد رفت این داستان را مآل (؟)  
 پس از آن بیتهایی در ستایش و هم در نکوهش محمود از هجونامه آمده است و کتاب  
 چنین پایان می رسد:

هزاران درود و هزاران ثنا      مجدد ز ما باد بر مصطفی  
 تمة الكتاب الشاهنامه من كلام ملك الشعرا و املح البلغا حکیم فردوسی طوسی علیه  
 الرحمة الغفران و صلى الله على خير خلقه محمد وآله وصحبه اجمعين الطيبين الطاهرين  
 والحمد لله رب العالمين في سنة احدى وتسعمائة. خانی.  
 در این دستنویس در پایان داستان جمشید افسانه جمشید و دختر کورنگ شاه را از  
 گرشاسپنامه گرفته و به آن وصله کرده است. و باز در داستان فریدون چند تکه دیگر از  
 گرشاسپنامه و در پایان داستان سهراب بخشی از برزونا و در داستان بهمن بخشی  
 از بهمن نامه و آذر برزین نامه را درون شاهنامه کرده است.

۴۳- دستنویس کتابخانه دولتی باویردرمونخ Bayer. Staatsbibliothek München ،  
 بنشان 8 Pers. ، ۵۰۷ برگ، با ۷۲ مجلس، خط نستعلیق، بخط حمدالله بن قوام  
 الدین بن نظام الدین قاسم ادیب لباسانی، مورخ دو شنبه بیست و ششم جمادی الاول  
 ۹۰۲ هجری قمری (برابر سی ام ژانویه ۱۴۹۷ میلادی).

این دستنویس مقدمه منشور را ندارد. در آغاز این دستنویس دو تصویر تمام  
 صفحه ای دارد و پس از آن متن اصلی آغاز می گردد. دو صفحه نخستین آن دارای  
 چهار لوح و حاشیه سازی است و متن را در دو ستون و ده سطر نوشته است. صفحات  
 دیگر در چهار ستون و ۳۰ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و  
 سرنویس دارای ۶۰ بیت است. صفحات این دستنویس در هم ریخته اند و زمانی هم  
 در دست یک شیعی بوده است. چون در دیباچه کتاب کسی روی بیتهای مدح  
 ابوبکر و عمر و عثمان را با خشم تمام خط کشیده است. تاریخ ختم شاهنامه در این

دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است و پایان کتاب چنین است:  
 سر آمد کنون قصه یزدگرد      بمه ماه سفندارمزد روز ارد  
 گذشته از آن سال سیصد شمار      برو بر فزون بود هشتاد و چار  
 ز ما بر روان محمد درود      همی تا بود روز و شب تار و پود  
 تمة الكتاب بعون الملك الوهاب فی يوم الاثنين سادس عشرین جمادی الاول سنه اثنین  
 وتسعمایه علی يد عبدالضعیف المحتاج الی الله الغنی حمدالله بن قوام الدین بن نظام  
 الدین القاسم الادیب لباسانی غفرالله له ولوالدیه ولاستاذیه.

۴۴. دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، بنشان H. 1508، اندازه ۳۱×۱۷/۵ سانتیمتر، ۶۶۹ برگ، با ۳۲ مجلس، خط نستعلیق، بخط محمد حسینی، مورخ ۹۰۲ هجری قمری (برابر ۱۴۹۶ - ۱۴۹۷ میلادی).

این دستنویس با مقدمه منشور آغاز می گردد: بسم الله الرحمن الرحیم و به نعتی. افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال... این همان مقدمه بایسنقری است و همه ۲۴ صفحه آن افسانه محمود و فردوسی است و از مقدمه کهن چیزی ندارد. یک جا چهار قطعه از اشعاری را که دیگران در ستایش فردوسی سروده اند گرد آورده است که دو قطعه آن تا کنون در معرفی دستنویسهای دیگر آمده است. دو قطعه دیگر آن اینهاست:

|                                   |                                     |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| شمع جمع هوشمندان است در دیجور غم  | نکته ای کز خاطر فردوسی طوسی بود     |
| زادگان طبع پاکش جملگی حورا وش اند | زاده حورا وش بود چون مرد فردوسی بود |

و دیگر:

|                                    |                                    |
|------------------------------------|------------------------------------|
| در خواب شب دوشین من با شعرا گفتم   | کای یکسره معنی را با لفظ بهم درسی  |
| شاعر ز شما بهتر؟ شعر آن که نیکوتر؟ | وز طایفه تازی، وز انجمن فرسی       |
| آواز برآوردند، یک رویه همه گفتند:  | فردوسی و شه نامه، شه نامه و فردوسی |

صفحه نخستین مقدمه منشور دارای سر لوحه است و در کتیبه آن بخط کوفی نوشته است: ذکر اعلی. پس از مقدمه منشور دو تصویر تمام صفحه ای دارد و پس از آن متن اصلی آغاز می گردد. صفحه نخستین متن اصلی دارای سر لوحه است و در کتیبه آن بخط کوفی نوشته است: کتاب شاهنامه فردوسی. صفحات کتاب در چهار ستون و ۲۱ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سرنویس دارای ۴۲ بیت است، ولی در برخی صفحات بیتهایی را هم چلیپا نوشته است. متن شاهنامه در این دستنویس به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخستین تا پایان پادشاهی کیخسرو و آن

با این عبارت پایان می رسد: تمت الكتاب الشاه نامه فی مجلد الاول صفحه نخستین بخش دوم، یعنی آغاز پادشاهی لهراسپ دارای سرلوحه است با عنوان: کتاب لهراسپ نامه. تاریخ ختم شاهنامه سال چهارصد هجری قمری است: به سر شد کنون قصه یزدگرد... (ماتند دستنویس ۶۷۵). پس از آن بیتهایی در ستایش و هم نکوهش محمود آمده است. این دستنویس چنین پایان می رسد:

هر آنکس که دارد هش و رای و دین      پس از مرگ بر من کند آفرین  
تمام شد کتاب شاه نامه بفرخی و فیروزی بعون الله و حسن توفیقه و الصلوة والسلام  
علی خیر خلقه محمد و اله اجمعین در تاریخ سنه اثنین و تسعمایه کتبه اصغر عباد الله و اصغر  
خلق الله محمد الحسینی عفا الله. و در دو گوشه بخطی درشتتر این دو بیت سعدی را  
نوشته است:

غرض نقشیست کز ما باز ماند      که هستی را نمی بینم بقایبی  
مگر صاحب دلی روزی بدولت      کند در کار درویشان دعایبی

۴۵. دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، بنشان H. 1510، اندازه ۲۶×۱۶ سانتیمتر، ۴۹۸ برگ، با ۲۵ مجلس، خط میان نسخ و نستعلیق، بخط ورقه بن عمر سمرقندی، مورخ پنجم ذوالحجه ۹۰۳ هجری قمری (برابر بیست و پنجم ژویه ۱۴۹۸ میلادی).

در آغاز کتاب در میان صفحه یک ترنج دارد و در کتیبه آن نوشته است: برسم الخزانة السلطان الاعظم الاعدل ابوالمظفر السلطان حسین گورکانی خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین. پس از آن مقدمه منشور آغاز می گردد: الحمد لله رب العالمین والعاقبه المتقین... همه مقدمه افسانه محمود و فردوسی و هجونا مه است و از مقدمه کهن چیزی ندارد. دو صفحه نخستین مقدمه منشور دارای چهار لوح و حاشیه سازی است و متن هر صفحه را در ۱۵ سطر نوشته است. در کتیبه های بالا و پایین صفحات عبارتی بخط کوفی دارد که در میکروفیلم خوانا نیست. در پایان مقدمه منشور نام کاتب و تاریخ کتابت آمده است: کتبه ورقه بن عمر سمرقندی تجاوز الله عن سیاته بتاريخ سنه ثلاث و تسعمایه الهجریه:

سکه ای کاند رسخن فردوسی طوسی نشاند      تانپنداری که کس در عالم فرسی نشاند  
اول از بالای کرسی بر زمین آمد رسخن      اود گربار از زمینش برد ویر کرسی نشاند  
پس از مقدمه منشور دو تصویر تمام صفحه ای دارد و پس از آن متن اصلی آغاز

می گردد. صفحه نخستین متن اصلی دارای سر لوحه است و در کتیبه آن عبارتی دارد که در میکروفیلم خوانا نیست. صفحات در چهار ستون و ۲۷ سطر جدول بندی شده اند. هر صفحه بدون تصویر و سر نویس دارای ۵۴ بیت است. تاریخ ختم شاهنامه در این دستنویس سال ۳۸۴ هجری قمری است. پایان صفحه آخر چنین است:

سرآمد کنون قصه یزدگرد به ماه سپندار مذ روز ارد  
 ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار به نام جهان داور کردگار  
 تمت الكتاب بعون الملك الوهاب وحسن توفيقه والحمد لله رب العالمين والصلوة  
 والسلام على خير خلقه محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين وسلم تسليمًا دایماً کثیراً علی يد  
 العبد الضعیف النحیف المحتاج الی نعمه الله تعالی منصور بن محمد بن ورقه بن عمر بختیار  
 بهبهانی من اعمال جبل جیلویه (= گهگیلویه) غفر الله له ولوالديه فی خامس فی [ذوال]  
 حجه الحرام لسنه ثلاث وتسعمایه الهجره النبویه المصطفویه.

اصل متن شاهنامه در این دستنویس ۴۸۵ برگ است. ۱۳ برگ بقیه لغت فرس اسدی است بخط همین کاتب و در پایان آن در لوحه ای نام سلطان حسین میرزا که کتاب برای خزانه او نوشته شده است و نام او در آغاز کتاب نیز هست آمده است و در زیر آن در جدولی نام همه کسانی که بنحوی در تهیه کتاب سهم داشته اند یاد شده است: کاغذ خطایی ابتیاع خواجه مرشد کاشغری، کتابت به خط مولانا ورقه بن عمر سمرقندی، تذهیب چهار لوح و سرداستان به عمل استاد شر... و جلال الدین کرمانی، جدول به عمل استاد احمد و مولانا محمد هروی، تصویر به عمل استاد عبدالوهاب منصور مشهدی. و در پایان هر جدول توضیحات دیگری هم افزوده است.

پس از لغت فرس دستنویسی از خمسة نظامی بخط لطف الله بن یحیی بن محمد تبریزی مورخ رجب ۹۰۶ هجری قمری در شیراز، ضمیمه کتاب است. این شاهنامه و لغت فرس برای خزانه سلطان حسین گورکانی نوشته شده است. و کتیبه آن در آغاز و پایان کتاب و مهر او در جای جای کتاب هست. و این پادشاه همان حسین بایقرا پسر منصور ابن بایقرا ابن عمر شیخ از سلسله تیموری است که پس از مرگ ابوسعید از سال ۸۷۳ تا ۹۱۱ در هرات به پادشاهی رسید و مردی هنر پرور و شاعر و میگسار و کبوتر باز بود.

#### ب. ارزیابی برخی از دستنویسهای شاهنامه

۱. دستنویس فلورانس مورخ ۶۱۴ هجری قمری (=ف). این دستنویس نه تنها کهنترین،



بلکه معتبرترین دستنویس موجود شاهنامه نیز هست. یکی از بزرگترین نیکوییهای آن. نقطه گذاری آن است. یعنی این دستنویس واژگونه بیشتر دستنویسهای کهن حروف را با دقت نقطه گذاری کرده است و کمتر پیش می آید که نقطه حرفی افتاده باشد و این موضوع بویژه در مورد شاهنامه اهمیت بسیار بزرگی دارد. حروف پ، ژ، چ را غالباً با یک نقطه می نویسد، ولی گاه نیز حرف چ و بیشتر از آن حرف پ را سه نقطه می گذارد. حرف گ را با یک سرکش می نویسد. قاعده ذال را نگاهداشته است. زیر حرف ی گاه دو نقطه می نهد و نیز گاه حرف س را با سه نقطه در زیر مشخص می کند. حرف که را بیشتر بصورت کی و بندرت بصورت که، و حرف چه را جز در ترکیب با واژه های دیگر، همیشه بصورت چه/چه می نویسد. نشان مد روی الف و نشانه تشدید را گاه بکار برده است. در واژه های انجامیده به های مصوت (های غیر ملفوظ) در حالت اضافه گاه همزه می گذارد (: باره آهنست) و گاه همزه را می اندازد (: ناله کرتای) و بندرت بجای آن دو نقطه می نهد (: کز اندیشه خویش رامش برد). حرف یای لیت، یعنی یای صامت افزوده میانجی را که پس از واژه های انجامیده به مصوت و پیش از یای وحدت، نکره، ضمیر دوم شخص مفرد و یای اسم معنی (که در فارسی یای مصدری یا یای حاصل مصدر خوانده می شود) می آید، گاه می نویسد و گاه می افکند (: رهای / رهایی، چه گوی / چه گویی، بیچاره ی / بیچاره یی و دیگر). های مصوت را پیش از پسوند گی می افکند (: تیرگی، تشنگی، خیرگی). حرف اضافه به را متصل می نویسد. واژه ها در موارد بسیاری مشکول اند، ولی گاهی هم به نادرست، مثلاً حرف نخستین همال را به پیش نوشته بجای به زبر، و بریان را به پیش یکم هم نوشته است بجای به زیر.

در این دستنویس بسیاری از واژه ها به ریخت کهنه تر آنها بکار رفته اند. برای نمونه نامهای زابل، زابلستان، کابل، کابلستان و سودابه را در بسیاری موارد و در هر حال بیشتر از دستنویسهای دیگر به ریخت زاول، زاولستان، کاول، کاولستان و سوداوه نوشته است. هرچه دستنویسها جوانتر یا کم اعتبارتر می گردند به همان نسبت این نامها بیشتر با حرف ب نوشته شده اند و کمتر با و. این مطلب در مورد نامهای گیومرت، طهمورت و اغریرت که حرف پایانی آنها در دستنویس فلورانس تقریباً همه جا با تای دو نقطه است نیز درست است. همچنین در این دستنویس دشخوار نوشته است بجای دشوار، گر بجای یا (ولی نه همیشه)، لختکی بجای اندکی، نبشتن و برایش (اشتقاق) های آن بجای نوشتن، پای وند بجای پای بند، نگوسار بجای نگونسار، فربی بجای فربه و دیگر و دیگر. واژه های امید و مژه هر کجا در دستنویسهای دیگر بضرورت وزن حرف دوم آنها مشدد

گشته است، در این دستنویس بصورت: اومید و میژه آمده است و میژه را نگارنده جز در این دستنویس گواهی نیافته ام. نگارنده همچنین در این دستنویس تا کنون یک بار هم بصورت بیم بجای بویم (یکم شخص جمع از بودن) بر خورده ام که نمی دانم برای آن در جایی دیگر باز هم گواهی هست یا نه، ولی در هر حال بقیاس بید بجای بوید درست است. همچنین یک جا پسوند مکان گان را که بیشتر در نام سرزمین بکار می رود (مانند: آذربادگان، شاپورگان) بجای گاه بکار برده است: نخچیرگان بجای نخچیرگاه (سهراب ۱۸) که در دستنویسهای دیگر تنها در دستنویس استانبول مورخ ۹۰۳ آمده است. همچنین کاربرد دوزلفین (ضحاک ۴۳۷) که - بن در آن با یای معلوم است و فارسی است و در دستنویسهای دیگر (جز دستنویس واتیکان مورخ ۸۴۸) آن را نشانه تشبیه در عربی پنداشته و از این رو آن را به دوزلفش برگردانیده اند.

در زبان فارسی حرف اضافه به به ریخت بد / بد در پهلوی بر می گردد که در زبان فارسی پیش از آن که به به تبدیل شود نخست در جلوی مصوتها به همان ریخت بد / بد مدتی بکار رفته است. گواهیهای آن جز در جلوی برخی ضمایر (: بدان، بدین، بدو، بدیشان) که عمومیت دارند، در برخی از دستنویسهای کهن هست، ولی زیاد نیست. برای نمونه نگاه کنید به ترجمه تفسیر طبری: بد آتش (= به آتش)، بد آخر (= به آخر)، بد آب (= به آب) <sup>۸</sup>. ولی در دستنویس فلورانس به گواهیهای فراوانی از آن بر می خوریم: بد آورد (= به آورد)، بد ایران (= به ایران)، بد آوردگاه (= به آوردگاه)، بد انبوه (= به انبوه) و دیگر و دیگر. البته این قانون همیشه رعایت نگشته است.

نظیر همین قانون را در مورد حرف چون نیز می بینیم که ریخت کوتاه آن چن در ترکیب با برخی ضمایر رایج است (: چنو، چنین، چنان)، ولی گواهیهای دیگر آن نیز در دستنویسهای کهن کم نیست <sup>۹</sup>. فردوسی چون را در جلوی مصوتها همیشه بصورت چن و در جلوی صامتها در محل هجای کوتاه بصورت چو و در محل هجای بلند بصورت چون بکار برده است. در دستنویس فلورانس گواهیهای صورت چن در جلوی مصوتها بسیار فراوان است، ولی در اینجا نیز گاهی بجای آن چو آمده است.

واژه های انجامیده به مصوتة و لا در زبان فارسی نخست در پایان باستانی برخی واژه ها و واژه های دخیل تازی حرف ی گرفته اند (: پای، روی). این حرف ی که از نظر تاریخی ریخت کهنترست و به اوستایی / فارسی باستان *ih|d* بر می گردد، در تکامل زبان فارسی افتاده است، ولی بیشتر در واژه های انجامیده به تا تا به *ā*. در اینجا نیز دستنویسها هر چه کهنتر و معتبرترند حرف ی را بیشتر نگهداشته اند، ولی چنان که پس

از این خواهیم دید استثنایی نیز هست که در برخی از دستنویسها بیرون از موضوع قدمت و اعتبار، یکی از ویژگیهای آنها انداختن این حرف ی است. در دستنویس فلورانس این حرف ی در میان مصرع اگر وزن اجازه دهد و در محل قافیه و ردیف تقریباً همیشه آمده است، مگر آن که واژه قافیه و ردیف هر دو از همین جنس باشند.  
برای نمونه:

نخواهم بدن زنده بی روی او      جهانم نه ارز به یک موی او

منوچهر، بیت ۷۴۵

همین گواههای اندک برای اثبات اعتبار دستنویس فلورانس بسنده اند. ولی گذشته از اینها در موارد فراوانی که دستنویسهای دیگر واژه‌ها را گردانیده و یا همه عبارت و مصرع و بیت را عوض کرده اند، در این دستنویس صورت کهن و اصلی آن حفظ گشته است. برای نمونه واژه روشن به زیر یکم و بمعنی «راه و رسم» که در بسیاری از دستنویسها به پیش حرف یکم گردانیده شده و برای کمبود وزن یک حرف که یا چو به آغاز آن افزوده اند (: که روشن، چوروشن)، در این دستنویس بصورت درست آن بکار رفته است:

دیباچه، بیت ۱۱۳

جنگ مازندران، بیت ۱۴۱

بجای: که من شهر علمم علیم درست

دیباچه، بیت ۹۶

بدان تا گذارند روزی به بوس

جنگ مازندران، بیت ۲۱۴

بدان تا گذارند روزی به روز

بتابی ز سوگند و پیمان زین

جمشید، بیت ۱۰۰

به یکسان روشن زمانه مدان

روشن جهان بر تو فرخنده باد

دیگر: که من شارستانم علیم درست

دیگر: خورش دادشان لختکی از سبوس

بجای: خورش دادشان اندکی جان سپوز

دیگر: بدو گفت اگر بگذری زین سخن

بجای: ...بتابی ز پیمان و سوگند من

به همین گونه می توان گواههای فراوانی آورد و نشان داد که در موارد بسیاری که دستنویسهای دیگر واژه‌ها و مصرعها را گردانیده اند، صورت کهن و اصلی آنها در دستنویس فلورانس حفظ شده است. در گواه سپین بر طبق ضبط دستنویسهای دیگر باید سخن را به زیر دوم خواند. ولی در شاهنامه همه جا سخن به پیش دوم آمده است و این مورد جزو دو سه موردی بود که دستنویسها در محل قافیه این واژه را به زیر یکم ثبت کرده

بودند و اکنون ضبط دستنویس فلورانس نادرستی یک مورد آن را ثابت می کند. در دستنویس قاهره مورخ ۷۴۱ نیز بن دارد، ولی دیگر اجزای مصرع را گردانیده است: بتابی ز پیمان و سوگند بن.

یکی از ویژگیهای دستنویس فلورانس نکته ای در وزن شعرست:

کجا نامور دختری خوبروی      به پرده اندرون پاک بی گفت و گوی

ضحاک، بیت ۴۰

نشسته به در بر گرانسایگان      به پرده اندرون جای پر مایگان

فریدون، بیت ۳۴۳

بیامد ز بالای پرده سرای      به پرده اندرون بود خاور خدای

فریدون، بیت ۷۱۶

فرود آمد از تخت سام سوار      به پرده اندر آمد سوی نوبهار

منوچهر، بیت ۵۶

به پرده اندرست این سخنها بجوی      به پیش ردان آشکارا بگجوی

منوچهر، بیت ۱۲۴۲

کمند کیانی بینداخت شیر      به حلقه اندر آورد گور دلیر

جنگ مازندران، بیت ۲۸۱

از میان دستنویسهای دیگر تنها دستنویس استانبول مورخ ۹۰۳ در مثالهای دوم و چهارم و ششم ضبط دستنویس فلورانس را تایید می کند. همین دستنویس در مثال سوم نیز به پرد اندرون دارد، یعنی های مصوت را در کتابت انداخته است. از میان دستنویسهای دیگر دستنویس لنینگراد مورخ ۷۳۳ و پاریس مورخ ۸۴۴ در مثال ششم به حلق اندر دارند و روشن است که این ضبط نیز به به حلقه اندر بر می گردد، منتها در این دو دستنویس در این یک مورد بجای آن که مانند دستنویسهای دیگر اندر را به در برگردانند، حلقه را به حلق برگردانیده اند.

اگر چه دستنویس فلورانس در اینجا نیز در همه موارد مشابه به گونه بالا کار نکرده است و برای نمونه در مورد زیر به پرده درون دارد:

به هر کشوری کز جهان مهتری      به پرده درون داشتی دختری

فریدون، بیت ۶۱

ولی همان مثالها و تایید بیشتر آنها بوسیله دستنویس جوان ولی معتبر استانبول مورخ ۹۰۳ و دو دستنویس دیگر، بخوبی می رسانند که فردوسی به پرده (حلقه) اندرون (اندر) گفته

بوده است و نه به پرده (حلقه) درون (در). البته این ادغام دو مصوت بضرورت وزن چیز نوی نیست و مانند آن را مثلاً در آمده است به آمدست نیز می بینیم. چیزی که هست چون فردوسی در شاهنامه صورتهای درون و در را نیز بکار برده است و فقط اندرون و اندر نگفته است، این پرسش پیش می آید که چرا او در موارد بالا به پرده درون، به پرده در و به حلقه در نگفته بوده است؟ به گمان ما تنها توجیه آن چنین است که فردوسی از میان دویا چند ریخت یک واژه تا آنجا که وزن به او امکان دهد همیشه ریخت کهنتر را بکار می برد. و اکنون همین نکته که از دستنویس فلورانس در زمینه وزن در شاهنامه بدست آوردیم با مثالهای مشابهی در همین زمینه از دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ تأیید و تکمیل می کنیم. به مثالهای زیر توجه کنیم:

جنگ مازندران، بیت ۳۸۸

خم منزل جادو اندر گرفت

جنگ مازندران، بیت ۴۱۳

سر جادو آورد ناگه به بند

در دستنویس لندن در مثالهای بالا برخلاف همه دستنویسهای دیگر: جادوی اندر و جادوی آورد دارد. یعنی در اینجا نیز چون وزن امکان می دهد بجای صورت جادو، در این دستنویس جادوی آمده است (ولی نه همیشه، مثال: به گوش زن جادو آمد سرود، جنگ مازندران، بیت ۴۰۳). اکنون با توجه به مثالهایی که قبلاً از دستنویس فلورانس در زمینه وزن زدیم و هم با توجه به آنچه پیش از آن در مورد کهنتر بودن پایانه های  $-āy / -ūy$  از  $-ā / -ū$  گفته شد، اکنون می توانیم با اطمینان بگوییم که در اینجا نیز جادوی اصلی است و نه جادو و جادوی اندر (آورد) اصلی است و نه جادو اندر (آورد). به سخن دیگر: در تصحیح شاهنامه همیشه ضبط دشوارتر، و صورت کهنتر، و وزن سنگینتر یا پربارتر، برترست. و اکنون این قانون کلی را که در زمینه وزن شاهنامه بدست آوردیم می توانیم در سراسر کتاب در تصحیح موارد مشابه بکار بندیم و برخی دشواریهای تصحیح متن را حل کنیم. برای نمونه اگر مثلاً جایی در برخی از دستنویسها آمده است: زاسپ اندر آمد... و در برخی دیگر از اسب اندر آمد... اکنون می توانیم بگوییم که صورت دوم که از نگاه وزن پربارترست برترست. و به همین ترتیب که بود از برترست از که بُد از. و غیره و غیره.

یک نتیجه کلی که از این بحث و از بخشهای دیگر این مقاله برای تصحیح شاهنامه بدست می آید این است که هرگز چنین نیست که یک دستنویس همه محاسن را در خود داشته باشد و دستنویسهای دیگر همه معایب را. بلکه محاسن و معایب بنسبت قدمت و اعتبار دستنویسها در آنها پراکنده اند و از این رو پیروی بی

چون و چرا از یک دستنویس به دست‌آویز اقدام نسخ یا اصح نسخ، و قناعت کردن به محاسن یک دستنویس و چشم پوشیدن از محاسن دستنویسهای دیگر کاری باطل است و در هر حال یک چنین روش تعبدی منافی با شیوه اندیشه گرای تحقیق است. بلکه وظیفه مصحح آن است که با مطالعه در دستنویسها و سنجش آنها با یکدیگر کم کم به عناصر کهن و اصلی پی ببرد و آنها را از دستنویسهای گوناگون دستچین کند و به متن ببرد و احیاناً از راه آنها به قوانین کلی تری راه یابد.

در اینجا این نکته را یاد آور شوم که در صورتی که برای ما جای گمانی نماند که فردوسی به پرده اندرون گفته و نه به پرده درون و جادوی اندرون نه جادو اندرون و در جلوی مصوتها چن و بذ بکار برده بوده و نه چو و به و غیره و غیره، در این صورت نمی توان در تصحیح شاهنامه تنها به مواردی بسته کرد که در دستنویسها آمده است، بلکه باید در تصحیح نهایی شاهنامه همه این موارد را در سراسر شاهنامه تصحیح قیاسی کرد. با رعایت این نکات و پیراستن متن از واژه‌ها و قطعات و روایات الحاقی متنی از شاهنامه بدست خواهد آمد که تفاوت آن با متن شاهنامه های سنتی مألوف، تفاوت میان ماه من و ماه گردون خواهد بود. خواندن یک چنین متنی جز برای کسانی که با کهنترین صورت زبان و ادب فارسی آشنا هستند لذت نخواهد داشت و آنگاه ما بدرستی به علت این همه دستبرد در متن شاهنامه پی خواهیم برد. نگارنده در تصحیح شاهنامه می‌توانست بسیاری از موارد اصلی را و از جمله مواردی را که در بالا مورد بحث قرار گرفت تصحیح قیاسی کند، ولی عمداً راه میانه را برگزید. چون می‌دانست که فارسی زبانان با شاهنامه های سنتی تا آنجا اخت گرفته‌اند که حتی بسیاری از اهل تحقیق نیز باید برای پذیرفتن صورت دیگری از این کتاب قبلاً آمادگی پیدا کنند. از این رو فعلاً در این گفتار و گفتارهای بعدی برخی از این مسائل برای نظرخواهی از اهل فن مطرح می‌گردد. ولی شاهنامه شناسان عزیز تصدیق بفرمایند که تا کنون در زمینه تصحیح متن شاهنامه چنین مسائلی مورد بحث قرار نگرفته است. در هر حال از وظایف تصحیح نهایی شاهنامه جز بررسی موارد بالا یکی نیز بررسی آنچه، هرچ، آنک، هرک، ایدونک، و غیره است بجای آنچه، هرچه، آنکه، هرکه، ایدونکه. دیگر بررسی حروف اضافه: از و، به و، بر، جزا و و، بجز، پیش، سوی و نزد و غیره. دیگر بررسی پیشوندهای فعلی. دیگر بررسی حرف ربط و عطف فارسی و تازی که به گمان نگارنده در شاهنامه همه جا این حرف را باید به تلفظ فارسی آن بکار برد و تلفظ تازی آن مشکوک است. دیگر بررسی حرکت مصوتها و تعیین جنس صامتها (ب یا پ؟ ج

یا چ؟ زیار؟ ک یا گ؟). دیگر بررسی صورت کهنتر واژه‌ها عموماً (دشوار یا دشخوار؟ زبان یا زفان؟ کاش یا کاج؟ فربه یا فربی؟ و غیره). دیگر بررسی املای شاهنامه (ت یا ط؟ س یا ص؟ و موضوع پیوسته یا گسسته نوشتن واژه‌های مرکب) و دیگر و دیگر. شاید پربیراه نباشد اگر با رعایت اصول یادشده قبلاً بخش کوچکی از شاهنامه برای نمونه تصحیح گردد.

در مورد وزن شاهنامه جز مورد یاد شده در بالا یک نکته دیگر نیز هست که یادآوری آن بی سود نیست. و آن این که در دستنویسهای کهن گاه پیش می‌آید که حرف صامت پس از هجای بلند را بجای آن که مانند بیشتر موارد برابر یک هجای کوتاه بگیریم، باید در تقطیع بیندازیم. چند گواه از داستان منوچهر:

|                                |          |
|--------------------------------|----------|
| دل بخردان داشت و مغز ردان      | بیت ۲۷۳  |
| بر افروخت و گلنار گون کرد روی  | بیت ۳۴۶  |
| درم خواست و دینار و گوهر ز گنج | بیت ۴۲۷  |
| می و مجلس آراست و شد شادمان    | بیت ۹۱۵  |
| وُرا نیک بنواخت و پیمان ببست   | بیت ۱۱۳۲ |
| می و مجلس آراست و بفراشت یال   | بیت ۱۴۳۱ |
| که یال یلان داشت و فر کیان     | بیت ۱۵۰۶ |

در همه واژه‌هایی که مشخص شده اند حرفهای ش، خ، س، پس از هجای بلند در تقطیع می‌افتند و نباید پنداشت که در مثالهای بالا باید حرف و را - چنان که گاه در شعر قدیم رسم بوده است - هنگام قراءت و تقطیع انداخت. چرا که این توجیه مشکل ما را نمی‌گشاید:

|                           |                       |
|---------------------------|-----------------------|
| بیاراستند سیستان چون بهشت | منوچهر، بیت ۲۱۲       |
| پیامبر زنی بود سیندخت نام | منوچهر، بیت ۱۳۷۳      |
| به هشتم بیاراستند تخت عاج | کیقباد، بیت ۱         |
| نیافت از سر تیغ او زینهار | جنگ مازندران، بیت ۱۷۴ |

در این مصرعها نیز باید در واژه‌های بیاراستند، پیامبر، و نیافت صامتهای د، م، ف را پس از هجای بلند در تقطیع انداخت. بنا بر این فردوسی که یک یا دو صامت را پس از هجای بلند برابر یک هجای کوتاه بکار می‌برده است، گاه نیز یک صامت را پس از هجای بلند در تقطیع می‌انداخته است و این مطلب با تسامح در وزن شعر در

دوره نخستین شعر فارسی سر و کار دارد.

یکی دیگر از نشانه های مهم اعتبار دستنویس فلورانس نداشتن بسیاری از قطعات و روایات الحاقی است که چند نمونه آن را نگارنده پیش از این در «ایران نامه» انتشار داد.<sup>۱۰</sup>

با وجود همه این نکات مثبت، این دستنویس از عیب نیز بری نیست: در مقدمه منشور کتاب که آغاز و انجام آن افتاده است و تنها سه صفحه از آن باقی مانده، همان افسانه های ساختگی درباره فردوسی و محمود و شاعران دربار او آمده است. در متن اصلی کتاب نیز به اندازه کافی گواههایی برای گشتگی واژه ها و افتادن و افزودن و پس و پیشی بیتها بدست می آید. برای نمونه:

کنون سلم را رای جنگ آمده ست      که یارش ز دزهوخت کنگ آمده ست

فریدون، بیت ۹۵۶

فرستاده را داد چندی درم      بدو گفت خیره مزن هیچ دم

منوچهر، بیت ۶۹۲

در بیت نخستین ضبط درست دزهوخت کنگ در دستنویس فلورانس - که خود همین ضبط درست را در جایی دیگر دارد - به دزهوشکنگ، و در بیت دوم خیره مزن هیچ دم که کنایه از «شتاب کردن» است به ضبط بی ربط چنین گفت کورا مگردان دژم گشتگی یافته است. به همین گونه می توان گواههای فراوانی از گشتگی واژه ها و عبارات و مصرعها گرد آوری کرد و نشان داد که این دستنویس نیز از نفوذ عناصر نو برکنار نمانده است، مانند: نسل بجای تخم (سهراب ۱۰۸)، خاصه بجای ویژه (فریدون ۱۲۷)، عجب (منوچهر ۴۲)، قبضه (منوچهر ۱۰۸۷)، قد (نودر ۸۳)، جمله (کیقباد ۱۷) و اینجا و آنجا یا بجای گر و غیره.

در این دستنویس مقداری هم بیتهای الحاقی هست. از آن میان این بیتهای سست و ابلهانه در دیباچه شاهنامه:

|                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| دگر بُد که ناچار بایست گفت   | همان به که دارم سخن در نهفت |
| تو این نامور نامه از نیک وید | چنان دان که تصدیقش آرد خرد  |
| سخن هست بعضی که معقول نیست   | ولیکن مبر ظن که منقول نیست  |
| اگر از پی خاص رفتی سخن       | نبودی یکی حشور تا به بن     |
| وگر سر بسر بودی از بهر عام   | شدی قضا ناچیز و گفتار خام   |
| از آن طبع را نفرتی خاستی     | بدو هر کسی دل نیاراستی      |



در آن جهد کردم که تا نیک و بد      خردمند والا و اندک خرد  
بیابند از این نامه دلپذیر      ز معقول بهره زمنقول بیر  
بنزدیک دانشوران روشن ست      که حشو و دروغش نه جرم من ست  
و یاد را آغاز داستان اکوان دیو:

به گفتار اثبات صانع کند      مرا نیز ناچار قانع کند  
نه از گنده آبی بدت ماده بود      گذرگاه بولی ترا جاده بود  
روی هم رفته در این دستنویس تا پایان پادشاهی کیقباد (در ۴۶۱۹ بیت) کمی  
بالای صد بیت الحاقی دارد. ولی اینجا و آنجا نیز بیتهایی را انداخته است. برای  
نمونه در گفتار زال با کنیزکان رودابه آمده است:

سپهبد بپرسید از ایشان سخن      ز بالا و دیدار آن سرو بن  
ز گفتار و دیدار و رای و خرد      بدان تا به خوی وی اندر خورد  
بگویید با من یکایک سخن      به کثری نگر نفکنید ایچ بن  
مؤچهر، بیت ۴۴۱ بجلو

در دستنویس فلورانس از این شش مصرع چهار مصرع را انداخته است: °

سپهبد بپرسید از ایشان سخن      به کثری نگر نفکنید ایچ بن  
در اینجا سبب از قلم انداختن چهار مصرع یکسانی پساوند مصرع نخستین با مصرع  
پنجم بوده است و مانند این سهو تقریباً در همه دستنویسها هست که کاتبان بخاطر  
یکسانی قافیه مصرعی را بجای مصرع دیگر می گیرند و بیتهای میان آن دو را  
می اندازند. کاتب اقدام نسخ نیز از این گونه سهوها بری نیست. همچنین در داستان  
جنگ مازندران پس از بیت ۴۸۷ هفده هجده بیت را انداخته است و باز هم اینجا و  
آنجا بیتهایی را انداخته است. در این دستنویس همچنین گاه گاه مصرعها و بیتهایی  
پس و پیش شده اند.

یکی از بخشهای الحاقی این دستنویس عبارات سر نویسها و عنوانهاست که اگر  
چه با عبارت غلط انداز گفتار اندر آغاز می گردد، ولی بیشتر آنها از دستبرد دور  
نمانده اند و چون این عبارات را غالباً در یک سطر تمام نوشته است، بمنظور آن که  
همه پهنای متن صفحه را پر کند آنها را کش داده است. برای نمونه: گفتار اندران  
که فردوسی این حکایت با نظم میکند. اگر سخنی نا معقول باشد بروی عیب نکنند که  
حکایت برین گونه بود.

ولی یکی از عیوب بسیار بزرگ این دستنویس تکروری آن در ضبطهای ساده

است. در تصحیح انتقادی همان گونه که ضبط دشوار همیشه برتری دارد حتی اگر تنها باشد، در مقابل از میان دو ضبط ساده آن که تنهاست الحاقی است. در دستنویس فلورانس از یک رو خوشبختانه ضبطهای دشوار و منفرد فراوان است، ولی از روی دیگر متاسفانه ضبطهای ساده منفرد - بویژه در داستانهای جنگ مازندران و جنگ هاماوران - نیز کم نیست. توضیح بیشتر در این باره را به فرصتی دیگر می اندازیم. با همه این عیوب که یاد شد فعلا این دستنویس که متاسفانه تنها نیمه نخستین شاهنامه را در بر دارد، هم کهنترین و هم معتبرترین دستنویس موجود شاهنامه است و دستداران این اثر باید از آقای پرفسور آنجلو پیوموتزه از بابت کشف آن بسیار سپاسگزار باشند.

درباره خویشاوندی این دستنویس با دستنویسهای دیگر پایینتر مطالبی خواهد آمد.

۲- دستنویس کتابخانه بریتانیا مورخ ۶۷۵ هجری قمری (=ل) - پس از دستنویس فلورانس کهنترین دستنویس موجود شاهنامه دستنویس کتابخانه بریتانیاست که در ۶۷۵ هجری قمری یعنی ۶۱ سال پس از دستنویس فلورانس کتابت شده است. و چون این دستنویس برخلاف دستنویس فلورانس که تنها نیمی از شاهنامه را در بر دارد، دستنویسی کامل است، از این رو با پیدایش دستنویس فلورانس از اهمیت قدمت آن چندان کاسته نشده است و در نیمه دوم شاهنامه همچنان کهنترین دستنویس موجود شاهنامه است. ویژگیهای رسم الخط آن بطور کوتاه چنین است: حرف گ را بشکل ک و حروف پ، چ، را با یک نقطه می نویسد، ولی حرف ژ را غالباً سه نقطه گذاشته است. قاعده ذال را گاه نگاهداشته است. حرف که را بصورت که و کی و در ترکیب بدون حرف پایانی می نویسد: ابدونک، آنک، هرک. حرف چه را بصورت جه و در ترکیب بدون حرف پایانی می نویسد: آنج، هرج. حرف ی را به چند شکل: ی، ع، س می نویسد و گاهی زیری و بندرت در شکم آن دو نقطه می نهد. نشانه مد را گاه بکار می برد و بیشتر می افکند و نشانه تشدید را بندرت بکار برده است. پس از های مصوت در حالت اضافه و یا پیش از یای وحدت و نکره و یای ضمیر دوم شخص مفرد می گذارد و این نشانه را گاه بالای های مصوت و گاه در کنار آن می نهد: گراز تخمه نامور نیرمی، زهر گونه آزمودیم پند، چرا کرده نام کاوس کی، و در پایان مصرع بشکل ی: سرانجام رفتم سوی بیشه ی. نشانه ع را در

برخی موارد پس از واو مصوت نیز می آورد: کنون کردنی کرد جادوء پرست، که هیچ آرزوء بردلت نگسلم، چنان بُد که ضحاک جادوء پرست، چو دیدی بگویش کزین سوء گرا که در همه این موارد اگر همزه را ی بخوانیم تسامح در وزن است. مگر آن را زائد بدانیم و یا حرکت پیش از آن را کوتاه بگیریم. این شق دوم به گمان من صحیحتر می رسد. های مصوت را پیش از پسوند گی گاه می نویسد: تیره گی و گاه می افکند: تشنگی، خیرگی، و گاه در یک بیت واحد در محل قافیه یکی را می نویسد و دیگری را می افکند: تیره گی - خیرگی (جنگ مازندران، بیت ۲۵۰).

در این دستنویس نیز بسیاری از ضبطهای کهن و اصلی حفظ شده است، ولی از این نظر به پایه دستنویس فلورانس نمی رسد. برای نمونه در مواردی - ولی کمتر از دستنویس فلورانس نامهای زابل، زابلستان، کابل، کابلستان و سودابه را با و نوشته است. در موارد بسیاری خرم را بشکل خورم و گاهی پاسخ را بشکل پاسوخ (چاپ مسکو ۵۶۴/۱۰۴/۶) و خرسند را خورسند می نویسد. همچنین کاج بجای کاش (۱۹۱۶/۱۱۲/۷)، خره به معنی روی هم انباشته شده که در دستنویسهای فلورانس و قاهره مورخ ۷۴۱ نیز آمده است (۴۶۷/۱۰۱/۲)، زاستر (=زان سوتر) بجای راستر (۱۰۵۴/۱۸۱/۴ و ۱۴۹۸/۳۹۰/۷)، گروگر بجای خداوند (۱۱۰/۷۲/۶)، جوله (به معنی ترکش) بجای مغفر و جوشن و حربه که صورت سپین خود گشته جوله است (۱۵۳۸/۳۱۳/۶)، بسونام که در این دستنویس مشونام شده بجای به اندک خورش (۱۴۶۵/۹۶/۹) و دیگر و دیگر. واژه سپین بسونام به معنی اندک است که در ترجمه بنداری (مجلد دوم، رویه ۲۱۱) به همین صورت آمده است و در دستنویسهای لندن و قاهره مورخ ۷۴۱ و دستنویس استانبول مورخ ۹۰۳ به مشونام و در دستنویس لیدن مورخ ۸۴۰ به برونام و در دستنویسهای لندن مورخ ۸۴۱ و واتیکان مورخ ۸۴۸ به بشونام و در دستنویس اکسفورد مورخ ۸۵۲ به پس جام و در دستنویسهای دیگر به اندک خورش گشتگی یافته است. در مقابل گواهی برای حرف اضافه به در ریخت بد و صورت چن جز در جلوی ضمائر یافت نشد. در عوض چنان که دیدیم این دستنویس بیش از دستنویسهای دیگر حرف ی را پس از واژه های انجامیده به واو مصوت و پیش از واژه های آغازیده به مصوت بکار می برد و در این موارد وزن پر بارتر را نگهداشته است. همچنین بیش از همه دستنویسهای دیگر گر را در معنی یا بکار برده است. یکی از ویژگیهای این دستنویس نوشتن گفت گوی، جست جوی و غیره است بجای گفت و گوی، جست و جوی و غیره. در عوض پیش از واژه تفت حرف و را

می افزاید: بنزدیک خسرو خرامید و تفت (سهراب ۳۶۹)، که اینجا و آنجا در دستویسهای دیگر نیز دیده می شود. همچنین پیشی بجای پیشین و اند بجای چند. بیتهای اصیل شاهنامه در این دستویس نیز از نفوذ عناصر نو بر کنار نمانده است، مانند: عِلْم (دییاجه ۹۶)، قول (دییاجه ۹۶)، عَجَب (جمشید ۶۲)، ثَنَا (نوذر ۱۵)، مدام (هاماوران ۱۶۶)، لحد (هاماوران ۱۷۵)، نشاط (هفت گردان ۳۵) و غیره. یکی از عیبهای بزرگ این دستویس که سبب کاهش درجه اعتبار آن می گردد کم نقطگی آن است و از این حیث درست نقطه مقابل دستویس فلورانس است. همچنین در میان دستویسهای شاهنامه از همه کمتر عنوان و سرنویس دارد. عیب دیگر این دستویس همان گونه که در بخش نخستین این گفتار بدان اشاره شد این است که برخی از صفحات آن به خطی نوترست. مرحوم برتلس، در مقدمه چاپ مسکو حدس زده است که برخی از صفحات اصلی کتاب کهنه بوده و از این رو یک نفر پس از سده یازدهم هجری آن صفحات کهنه را از نو نوشته است و از این رو متن صفحات نو نیز همان اعتبار متن صفحات کهن را دارد و به عقیده او این موضوع هم از مقایسه آغاز کتاب، یعنی متن پادشاهی گیومرت و هوشنگ و طهمورت با ترجمه بنداری و هم از عبارت کَذَا فی منقول عنه که کاتب در پایان کتاب پس از جمله کتبت من النسخة فی محرم سنه خمس و سبعین و ستمائه افزوده است ثابت می گردد.

ولی این عقیده برتلس در مورد دییاجه شاهنامه به دو دلیل مهم درست نیست. یکی این که این بخش پرست از گشتگیها و دستبردهای فراوان و آشکار که مانند آن را در هیچ یک از دستویسهای کهن نمی توان یافت. برای نمونه به گواهیهای زیر از دییاجه کتاب توجه شود:

- خرد بهتر از هرچه ایزدت داد (ل: ایزد بداد)

بیت ۱۷

- خرد رهنمای و خرد دلگشای (ل: دین گشای)

بیت ۱۸

- گسته خرد پای دارد به بند (ل: شکسته خرد)

بیت ۲۴

- به گیتی بپوی و به هر کس بگوی (ل: به گیتی بجوی و به هر کس مگوی)

بیت ۳۱

گرفتند هریک (ل: هردو) سزاوار جای

بیت ۴۴

به زیر اندر آمد سرانشان ز بخت

بیت ۵۱

به زیر اندر آید سران را ز سخت

(ل: ز کام ز ناکام خوردن خورد)

بیت ۵۶

ازیرا نکرد ایچ پنهان هنر (ل: گهر)

بیت ۵۸

(ل: به گرد در دانشش باز گرد)

بیت ۷۰

همان بخردان نیز و هم راستان

سخن گفتنی خوب و طبعی روان

بیت ۱۲۷ - ۱۲۸

بگفتا بگویم من این داستان

جوان سبک روح و روشن روان

هم از بخردان و هم از راستان

(ل: و زو دیگر انجم وفادار نیست)

بیت ۱۳۹

که از باد نامد به من بر نهیب

بیت ۱۵۱

که نامد به من بر چیزی نهیب

(ل: همه راز این دل شده ناامید)

بیت ۱۵۸

(ل: روی مه را)

بیت ۱۸۱

(ل: سر خویش)

بیت ۲۰۶

(ل: همی باز جویم من از کردگان)

بیت ۲۰۹

- ایرده و دو، هفت شد کدخدای

- گیاه رست با چند گونه درخت

ل: که یارست با چند گونه درخت

- نه گویا زبان و نه جویا خرد

- چو دانا توانا بُد و دادگر

- نگه کن بدین گنبد تیز گرد

- جهان دل نهاده بر این داستان

- جوانی بیامد گشاده زبان

ل: جوانی بیامد گشاده زبان

سخن گفتنی خوب و طبعی روان

چنان دل نهاده بر این داستان

- و دیگر که گنجم وفادار نیست

- همی داشتم چون یکی تازه سب

ل: به پیشش بُدی چون یکی تازه سب

- گرفتار و زو دل شده ناامید

- بیاراست روی زمین را به داد

- سر شاه خواهد که باشد بجای

- کنون باز گردم به آغاز کار

این نمونه ها بخوبی نشان می دهند که کاتب جدید دیباچه کتاب را از روی همان متن کهن ننوشته بوده است، مگر آن که بگوییم این صفحات در متن کهن آن قدر کهنه و رفته و ناخوانا بوده که کاتب جدید ناچار شده برخی از مصرعها و بیتها را از خود بسراید و بجای آن بگذارد که باز در این صورت هم این بخش اعتباری نخواهد داشت. ولی پس از دیباچه وقتی به داستان گیومرت و هوشنگ و طهمورت و آغاز جمشید که آنها هم به همان خط نوشت می رسیم، نظیر این گونه گشتگیها و غلطهای فاحش را که در دیباچه هست نمی بینیم.

دلیل دیگر این که این دستنویس با دستنویس قاهره مورخ ۷۴۱ خویشاوند بسیار نزدیک است تا آنجا که کافی است یک نفر چند صفحه از این دو دستنویس را با یکدیگر بسنجد و این خویشاوندی را از راه غلطهای فاحش مشترک و ضبطها و بیتهایی که تنها در این دو دستنویس آمده اند بشناسد. ولی در دیباچه شاهنامه باز اثری از این خویشاوندی نیست. ولی در داستانهای گیومرت و هوشنگ و طهمورت می توان ردی از این خویشاوندی دست آورد که مهمترین مثالهای آن اینهاست:

سیامک خجسته یکی پور داشت<sup>۵۰</sup> (ل، ق: خجسته سیامک)

گیومرت، بیت ۵۰

(ل، ق: بهم بر شکستند)

بهم بر فتادند هر دو گروه

گیومرت، بیت ۶۳

(ل، ق: ز دریای ها رودها بر فراخت)

ز دریا به هامونش اندر بتاخت

هوشنگ، بیت ۱۰

(ل، ق: به شاهی کمر بر میان بریست)

کمر بر میثان رسم او را بیست

طهمورت، بیت ۲

(ل، ق: در بسته بد)

در بند بُد جان بد خواه را

طهمورت، بیت ۲۴

و همچنین در داستان هوشنگ هر دو دستنویس روایت الحاقی سده را ندارند. نتیجه این که نظر برتلس در مورد دیباچه دستنویس لندن درست نیست. بلکه دستنویس اصلی دیباچه را یا از اصل نداشته و یا صفحات آن افتاده بوده و یک نفر این افتادگی را از روی دستنویس جوان و کم اعتباری نوشته و به کتاب افزوده است. ولی نظر برتلس در مورد داستانهای گیومرت و هوشنگ و طهمورت و آغاز جمشید می تواند درست باشد. آن هشت صفحه دیگر در پایان داستان سهراب و آغاز

داستان سیاوش و یک صفحه پایان کتاب را من بررسی نکرده‌ام، ولی محتملاً آنها هم مانند بخش آغاز کتاب از روی متن اصلی بازنویسی شده‌اند. و اما متن مقدمه منشور که آن باز خطی نوترست همان مقدمه کهن است و متنی استوارست، ولی هیچ لزومی ندارد که مأخذ آن همان اصل دستنویس ۶۷۵ باشد. ضمناً این را هم بگویم که در خط کهن این دستنویس نیز اینجا و آنجا واژه‌هایی پاک شده است و برخی از آنها را به خط نوترپر کرده‌اند. بهترین نمونه آن را می‌توان در برگ ۳۷ آ دید.

یک عیب دیگر دستنویس لندن در همان بخش کهن آن، داشتن مقداری ضبط‌های گشته و بیت‌های الحاقی است که در بیشتر آنها با دستنویس قاهره مورخ ۷۴۱ شریک است. گذشته از این برخی از روایات الحاقی شاهنامه که در دستنویس فلورانس و دستنویس استانبول مورخ ۷۳۱ و حتی در برخی از دستنویس‌های جوان ولی معتبر و همچنین در ترجمه بنداری نیست، در دستنویس لندن آمده‌اند و این ضعف با قدمت این دستنویس سازگار نیست و از اعتبار آن می‌کاهد. شاید شمار تک بیت‌های الحاقی آن چیزی بیشتر از تک بیت‌های الحاقی دستنویس فلورانس نباشد، ولی دستنویس لندن بخاطر داشتن برخی روایات بزرگ الحاقی در جمع خیلی بیشتر از دستنویس فلورانس بیت الحاقی دارد و نگارنده پیش از این به این موضوع توجه نکرده بود.<sup>۱۱</sup> با این همه دستنویس لندن با دستنویس فلورانس با آن که با آن خویشاوند نزدیک نیست، ولی بخاطر آن که هر دو از یک گروه‌اند و هر دو معتبرند، خیلی خوب می‌خواند و ما هنگام مقابله متن این دو دستنویس می‌بینیم که در بیت‌های بسیاری هر دو متن با هم برابر و یا دارای اختلافات جزئی هستند. ولی اختلافات نیز در جای خود مهم‌اند و در اینجاها بیشتر درستی با دستنویس فلورانس است، ولی نه همیشه.

اکنون موضوعی که در تصحیح نیمه دوم شاهنامه که دستنویس فلورانس فاقد آن است، اهمیت اساسی پیدا می‌کند این است که آیا از مقابله دستنویسها در نیمه نخستین شاهنامه می‌توان قانونی بدست آورد که آن را در تصحیح نیمه دوم بکار بست و حتی المقدور از گشتگیها و الحاقات دستنویس لندن کاست؟ بله چنین قانونی هست:

این قانون از بررسی موارد اختلاف دستنویس لندن و دیگر دستنویسها با دستنویس فلورانس بدست می‌آید. این موارد اختلاف را می‌توان به چند نوع تقسیم‌بندی کرد و قانونمندی آنها را باز شناخت. ما پایینتر و سپس در گفتاری دیگر به این بحث خواهیم پرداخت و در اینجا در رابطه با ارزیابی دستنویس لندن تنها از

یک نوع از این اختلافات که در تعیین ضبط متن در تصحیح نیمه دوم شاهنامه اهمیت بسزایی خواهد داشت نام می‌بریم و آن مواردی است که دستنویس لندن و دستنویس قاهره مورخ ۷۴۱ در ضبطی یا داشتن و نداشتن بیتی با یکدیگر بر ضد همه دستنویسهای دیگر اتفاق دارند. بررسی نیمه نخستین شاهنامه بی هیچ شک و شبهه‌ای ثابت می‌کند که نود و نه درصد از این موارد فاسد و الحاقی اند و جای تولد آنها در دستنویسی بوده که دو دستنویس لندن و قاهره از آن شاخه گرفته‌اند و از این رو مورد تایید دستنویس فلورانس هم نیستند. اختلاف عمده دستنویس لندن با دستنویس فلورانس در مواردی که فساد با دستنویس لندن است همین موارد اتفاق دو دستنویس لندن و قاهره هستند. از این رو در تصحیح نیمه دوم شاهنامه باید از این آزمونی که از تصحیح نیمه نخستین کتاب بدست می‌آید آموخت و بخش بزرگی از ضبطهای گشته و بیت‌های الحاقی دستنویس لندن را باز شناخت و به زیر خط برد. این نظریه چیزی نیست که بتوان آن را با چند مثال نشان داد. از این رو آن که مایل است درجه اعتبار این نظریه را بداند ناچارست که چندین هزار بیت و نسخه بدل‌های آنها را بمنظور این هدف بررسی کند. نگارنده در تصحیح خود زمینه این کار را کاملاً فراهم آورده است و راه را برای این گونه پژوهشها گشوده است.

#### یادداشتها:

۸. ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران ۱۳۵۶، رویه ۱۱/۶۹۶، ۲/۸۹۰، ۱۱/۱۲۴۱.
۹. برای نمونه نگاه کنید به: هدایة المتعلمین، به اهتمام جلال متینی، مشهد ۱۳۴۴ (ضبط دستنویس کتابخانه بادلیان اکسفورد). ولی در این دستنویس حتی چون را در جلوی صامت‌ها نیز به ریخت چن نوشته است.
۱۰. نگاه کنید به: ایران نامه، سال سوم، شماره های ۱ و ۲.
۱۱. نگاه کنید به: آینده، ۴ و ۵/۱۳۶۳، رویه ۳۴۰.